

تهدید و ضمانت نمایشی در آیین‌های فولکلوریک

مریم حقی*^۱

(دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۶، پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۰)

چکیده

یکی از جلوه‌های فرهنگ مردم هر سرزمین، آداب و رسوم رایج در میان آن‌هاست. در کشور ما نیز از دیرباز و به مناسبت‌های گوناگون، آیین‌های مختلفی اجرا می‌شده است. این آیین‌ها با وجود تنوع فراوان، وجوه اشتراک بسیاری دارند که بررسی این اشتراکات ما را به شناخت بهتر و عمیق‌تر آن‌ها رهنمون می‌سازد. یکی از این نقاط مشترک که در بسیاری از آیین‌های فولکلوریک - که جنبه نمایشی دارند - دیده می‌شود، تهدید و تضمین است؛ به این شکل که با بروز مشکلی خاص، شخص (یا حیوان، درخت، شیء) به‌طور نمایشی تهدید می‌شود و کتک می‌خورد و فرد دیگری ضمانت او را می‌کند و قول می‌دهد که مشکل برطرف شود. آیین‌هایی که این شیوه در آن‌ها استفاده می‌شود معمولاً با هدف باران‌خواهی، آفتاب‌خواهی، بخت‌گشایی، بارور شدن درخت، باروری حیوانات، به هدف زدن تفنگ و... اجرا می‌شوند. هدف از این پژوهش - که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده - معرفی تهدید و تضمین نمایشی به‌عنوان یکی از خویشکاری‌های مهم در برخی رسوم عامیانه است.

واژه‌های کلیدی: فولکلور، تهدید و ضمانت نمایشی، بلاگردانی، باران‌خواهی، باروری.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).

* mhaghi@khansar.isfpnu.ac.ir

۱. مقدمه

آداب و رسوم بخش مهم و بزرگی از فرهنگ عامه هر سرزمین را تشکیل می‌دهند که با وجود تنوع بسیار، در برخی جنبه‌ها با هم تشابه دارند. هدف از انجام این تحقیق، معرفی تهدید و تضمین نمایشی به‌عنوان یکی از خویشتکاری‌های مهم در برخی رسوم عامیانه است. برخی از آیین‌های عامیانه با هدف حل مشکلی خاص اجرا می‌شود که از آن میان می‌توان به آداب و رسوم باران‌خواهی، آفتاب‌خواهی، بخت‌گشایی، باروری درخت، باروری حیوانات، به هدف زدن تفنگ اشاره کرد. در بیشتر این آیین‌ها، خویشتکاری مشترک تهدید و تضمین دیده می‌شود. به این گونه که فرد یا افرادی، شخص (یا درخت یا حیوان یا شیء) را می‌ترسانند و تهدید می‌کنند و فرد دیگری که غالباً مورد اعتماد دیگران و ریش‌سفید است، او (یا آن) را ضمانت می‌کند و قول می‌دهد که تا چند روز آینده یا تا سال دیگر این مشکل برطرف شود.

در این مقاله سعی شده است تمام آیین‌هایی که در آن‌ها از تهدید و تضمین نمایشی استفاده شده است، جمع‌آوری، معرفی و تحلیل شوند. پرسش‌هایی که این پژوهش درصدد پاسخ دادن به آن‌هاست، بدین شرح‌اند: تهدید و تضمین نمایشی در چه آیین‌هایی و با چه اهدافی به‌کار می‌رود؟ بسامد این روش در کدام آیین بیشتر است؟ تهدیدکننده، تهدیدشونده و ضمانت‌کننده در این گونه مراسم کدام‌اند؟ نوع تهدید چگونه است؟

۲. پیشینه تحقیق

در کتاب‌ها و مقالاتی که درباره آیین‌های فولکلوریک و باورهای عامیانه مناطق مختلف ایران به‌ویژه آیین باران‌خواهی نوشته شده است به‌طور پراکنده به تهدید و ضمانت نمایشی به‌عنوان بخشی از این گونه آیین‌ها اشاره شده است که برخی از آن‌ها بدین شرح‌اند: *باورهای عامیانه مردم ایران* (ذوالفقاری با همکاری شبیری، ۱۳۹۴)؛ «بررسی و تحلیل نمایش‌های باران‌خواهی و باران‌خوانی در ادبیات عامه ایران (با تکیه بر نمایش‌های کوسه‌گردی و عروس باران)» (ذوالفقاری، ۱۳۹۵)؛ «سه رسم کهن ازدیاد آب و طلب باران (گوشه‌ای از معانی و کارکردها)» (فرسیو، ۱۳۸۱)؛ «گیاهان و درختان مقدس در فرهنگ

ایرانی» (فرهادی، ۱۳۷۲)؛ «مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران» (مشیری، ۱۳۹۲)؛ «رمزگشایی پاره‌های آیین‌های باران‌خواهی ایران» (نعمت طاوسی، ۱۳۹۱).

تنها تحقیق مستقل در این زمینه مقاله «تهدید نمایشی درخت - یک آیین باروری» (ناهوکو تاواراتانی، ۱۳۸۵) است که در آن، نویسنده به مقایسه تهدید درخت در فرهنگ ایران و ژاپن پرداخته است؛ ولی تاکنون تحقیق مستقلی درباره تهدید و ضمانت نمایشی در آیین‌های فولکلوریک ایران انجام نشده است.

۳. بحث

بشر نخستین که علت بسیاری از حوادث و پدیده‌های طبیعی را درک نمی‌کرد، برای حل مشکلات خود به آیین‌های خاصی متوسل می‌شد که ریشه و خاستگاه اصلی آداب و رسوم امروزی به‌شمار می‌روند.

یکی از مشخصه‌های بسیار مهم این آیین‌ها، ارتباط آن‌ها با جادوست. به گمان آنان، این مراسم از طریق هم‌سوایی یا همانندی فیزیکی به‌طور مستقیم بر روند طبیعت اثر می‌گذارد و آن را به سودشان به جریان وامی‌دارد. بدین‌سان باور داشتند که با اجرای انواع گوناگون این مراسم، زنانشان بارور می‌شوند، فرزندان‌شان شجاع و کاری خواهند شد، باران می‌بارد، مزرعه‌ها و محصولاتشان پربار و پربرکت خواهد شد، بیماری برطرف می‌شود، بر دشمنان‌شان پیروز می‌شوند، ضعف و سستی را می‌تاراند، ارواح شریر طبیعت را دور می‌کنند، ازدواج‌هایشان را پرثمر می‌سازند و... درواقع آنان به‌گونه‌ای بر این باور بودند که ارواح شریر در زندگی آنان اختلال وارد می‌کنند و از این روست که می‌کوشیدند تا تأثیر خنثی‌کننده و منفی این ارواح شریر را از بین ببرند و راه را برای دریافت تأثیرات مثبت و سودمند خداوند هموار سازند (ابومحجوب، ۱۳۸۸: ۱۲).

نحوه به‌وجود آمدن بسیاری از اتهام‌های جادوگری و افسونگری چنین است که بلایی نازل می‌شود و ما به دنبال کسی می‌گردیم که مسبب آن است (جاهودا، ۱۳۷۱: ۱۵۸).

یکی از آیین‌های رایج برای دفع مشکل، بیماری و گاه راندن شیاطین و ارواح خبیث، آیین بلاگردانی بوده است که به شکل‌های مختلف نظیر قربانی کردن، طرد کردن و کتک زدن عنصر بلاگردان اجرا می‌شده است. فریزر در کتاب شاخه زربین

به طور مفصل به تحلیل آیین بلاگردانی و دفع و انتقال شر پرداخته است. او (۱۳۹۶: ۶۳۳) معتقد است در این موارد، زدن می تواند به معنی رهانیدن شخص مورد نظر از دست شیاطین یا ارواح پلید شمرده شود. گمان می رود خواص سودمند و متبرکی که در ابزار زدن وجود دارد سبب این تأثیر مثبت است.

در بسیاری از مناطق مختلف ایران نیز، مردم در هنگام مواجه شدن با مشکلاتی همچون نباریدن باران، زیاد باریدن باران، بسته شدن بخت دختر، نازا بودن زن، بی بار بودن درخت، تخم نگذاشتن مرغ، به هدف نزدن تفنگ و... از تهدید و زدن استفاده می کنند. گاه این تهدید با ضمانت همراه می شود؛ یعنی شخصی ضامن تهدیدشونده می شود و از طرف او قول می دهد که مشکل برطرف شود.

زمان انجام این گونه مراسم بسیار متفاوت است. گاه مردم به محض بروز مشکل به چنین آیین هایی متوسل می شوند مثلاً زمانی که باران به شدت می بارد و خطر سیلاب، منطقه را تهدید کند، آیین آفتاب خواهی را انجام می دهند و گاه در مناسبت و موسم خاصی مانند چهارشنبه سوری، نوروز و... این آیین ها را برگزار می کنند. از جمله مناسبت هایی که در آن، شیوه تهدید و تضمین نمایشی به شکل گسترده ای کاربرد دارد، جشن تیرگان در مازندران و برخی دیگر از مناطق شمالی ایران است که به «تیرما سیزه شو» معروف است.^۱ در این جشن، مراسمی با عنوان «لال شیش» به شیوه تهدید و ضمانت نمایشی اجرا می شود.

مراسم از این قرار است که هر سال در شب سیزدهم آبان ماه، عده ای از جوانان به طور خودجوش، چوب های بلند یا ترکه هایی به همراه یک کیسه یا توبره برمی دارند و به در خانه ها می روند و با جست و خیز و بدون اینکه حرفی بزنند یعنی با لال بازی، چوب را به در خانه ها می کوبند (ابومحبوب، ۱۳۸۸: ۱۹).

«لال» مخصوصاً به سراغ زنان نازا، حیوانات نازا، دختران شوهرنکرده و درختان بی میوه می رود و با ترکه به آن ها می زند. یک نفر از حاضران پادرمیانی و ضمانت می کند که مثلاً این زن، آن درخت یا آن دختر را نزن. من ضمانت می کنم که باردار شود، میوه بدهد، به خانه شوهر برود (ستاری و حقیقی، ۱۳۹۱: ۸۷؛ روح الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

لال در ضمن تهدید و ارباب نمایشی چنین می خواند: «لالِ اینه لالِکِ اینه / ... دِتره بزمن شی دار بوو / زن رو بزمن وچه مار بوو / کرک ره بزمن کرچه مار بوو / گو ره بزمن

شیردار بوو» (لال می‌آید، لال عزیز می‌آید/ ... دختر را با (ترکه) می‌زنم تا دارای شوهر شود/ به زن خانه می‌زنم تا صاحب فرزند و مادر بچه شود/ مرغ را می‌زنم تا جوجه بیاورد/ به گاو می‌زنم که پرشیر شود) (ستاری و حقیقی، ۱۳۹۱: ۸۷).

مهم‌ترین آیین‌هایی که در آن‌ها از تهدید و تضمین نمایشی استفاده می‌شود عبارت‌اند از:

۳-۱. باران‌خواهی

مشکل کم‌آبی در ایران سبب شکل گرفتن آیین‌های متفاوت باران‌خواهی شده است. مراسم باران‌خواهی در ایران به‌ویژه در مناطق کویری به شیوه‌های متفاوتی اجرا می‌شود که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را به مراسم فردی و گروهی تقسیم کرد. یکی از انواع مهم مراسم باران‌خواهی گروهی، مراسمی است که با اجرای نمایش همراه هستند و در بسیاری از آن‌ها تهدید و ضمانت نمایشی دیده می‌شود. این دسته از مراسم باران‌خواهی را با توجه به علت تهدید و ضمانت می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: نخست آن دسته از آیین‌های باران‌خواهی که در آن طعامی (نان، آش، حلیم و...) تهیه می‌شود و مهره (سنگ‌ریزه، چوب و...) در آن انداخته می‌شود و شخصی که این نشانه نصیب او شود کتک می‌خورد تا اینکه فرد دیگری ضامن او شود. دسته دوم آیین‌های باران‌خواهی که در آن‌ها از روش نشان‌دار کردن خوراکی استفاده نمی‌شود.

۳-۱-۱. باران‌خواهی با نشان‌دار کردن خوراکی

در بسیاری از نمایش‌های باران‌خواهی، مردم (بچه‌ها) به همراه یک عروسک یا شخصی که خود را به شکل خاصی درآورده است به در خانه‌های مردم می‌روند و وسایلی جمع‌آوری می‌کنند. سپس با آن‌ها نان (یا آش، شله، حلیم) می‌پزند و بین مردم پخش می‌کنند. هنگام پخت خوراکی، مهره (یا ریگ، سنگ‌ریزه، نخود) داخل آن می‌اندازند. مهره (سنگ‌ریزه) در غذای هر کس پیدا شد، او را کتک می‌زنند تا اینکه شخصی (ریش‌سفید، سید و...) بیاید و ضامن او شود. ضامن قول می‌دهد که تا چند روز دیگر (۳ یا ۷ روز) باران ببارد. اگر باران نیاید دوباره آن فرد یا ضامنش را کتک می‌زنند.

این شیوه باران‌طلبی با نام‌های گوناگون و با اندکی تفاوت‌های جزئی در مناطق مختلف ایران برگزار می‌شود. چنانکه کرمانی‌ها به آن «لوک»؛ در قم، سمنان، کاشان و فارس به آن «کوسه»؛ در ایل باصری «کوسنگلون»؛ در کازرون «گلابارون»؛ در قم «هوانی»؛ در بوشهر گلی و گلینا؛ در کاشان «کوسه به در» می‌گویند (مشیری، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۲۶؛ برای نمونه‌های بیشتر نک: رسم «هبرسه» در کهگیلویه (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۷۵)؛ مراسم «کوسه کلی» (کوزه شکسته) در کوهمره فارس (جبار ناصر و حسام‌پور، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۷؛ جعفری قنوتی، ۱۳۹۴: ۹۸)؛ رسم «کلی کوسه» در بختیاری (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۶۹؛ همو، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۴۱)؛ مراسم «کوساگلین» در ایل قشقایی (همو، ۱۳۹۵: ۶۸)؛ مراسم «تالو» در روستاهای زرنند کرمان (خلعتبری لیمایی، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۷)؛ آیین «گل گشنیزو» در کرمان (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۸۳؛ فرهادی، ۱۳۷۸: ۷۲).

نشانه معمولاً مهره‌ای سبز یا آبی و گاه قرمز است. خوراک را میان شرکت‌کنندگان در آیین قسمت می‌کنند. نشانه به هر کس که بیفتد، نقش بلاگردان را ایفا می‌کند و باید سپر بلای دیگران شود؛ زیرا معمولاً نیامدن باران بنا به باور مردم به سبب وقوع گناهی است. آنگاه با یافتن یک سپر بلا و زدن نمادین او از گناهان پیشین تبرا می‌جویند (نعمت طاوسی، ۱۳۹۱: ۲۸۱). هر چند اغلب نشانه در نان یا آش (شله) یا حلیم گذاشته می‌شود؛ ولی گاهی از خرما یا انجیر برای این کار استفاده می‌شود (خلعتبری لیمایی، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۶؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

گاهی رسم است که شخصی که نشانه نصیب او شده است، فرار می‌کند و دیگران او را تعقیب می‌کنند. آن شخص خود را به خانه‌ای می‌رساند و یا اگر در کوچه به کسی برخورد از او تقاضا می‌کند که برای سه روز یا یک هفته او را ضمانت کند تا تعقیب‌کنندگان وی را کتک نزنند (خلعتبری لیمایی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۹). در برخی مناطق (مانند روستاهای گچساران) شخص مورد تعقیب سعی می‌کند خود را به خانه سیدی از اهل محل برساند تا او ضامنش شود (همان، ۲۳-۲۴). گاه نیز شخصی را که مهره نصیب او شده است، به درخت می‌بستند و با تسمه آنقدر می‌زدند تا یکی از جمع ضامن شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۸۵-۸۶).

در برخی مناطق ایران (به‌ویژه مناطق جنوبی) تنبیه فرد صاحب نشانه این است که سنگی را به دوش بکشد. مثلاً در دشتی و دشتستان، به مجرد اینکه مهره نصیب کسی

شد یک «آسک» (هاسک: آسیاب دستی) به دوشش می‌دهند. آنگاه یکی از ریش سفیدان جلو می‌آید و ضامن او می‌شود و می‌گوید اگر تا فلان روز باران آمد که هیچ، وگرنه مجدداً آسک را به دوشش می‌دهیم و هر چه سنگ بیابان است به او می‌زنیم. بدین ترتیب دست از سر کسی که آسک به دوشش هست، برمی‌دارند و به خانه‌هایشان برمی‌گردند. تا روز مقرر اگر باران آمد که هیچ وگرنه دوباره سراغ همان آسک به دوش می‌روند و لنگه آسک را به دوشش می‌دهند (خلعبری لیماکی، ۱۳۹۳: ۴۵-۴۷؛ نیز ر.ک: همان، ۳۵-۳۹؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۴۳؛ همو، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۱؛ حسینی و یزدان‌شناس، ۱۳۹۶: ۱۸۰-۱۸۲).

نکته گفتنی در بیشتر این آیین‌ها، جدی بودن تهدید است. «شرکت‌کنندگان با اعتقاد قلبی و نه برای اجرای کار نمایشی به صحنه وارد می‌شوند. فرد گناهکار که مهره یا سنگ در غذایش یافته شده جدی تنبیه می‌شود؛ در برخی مناطق، شخص را به حدی کتک می‌زنند که خون از بدنش جاری می‌شود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۹۵). برای مثال در آیین «بووکه وارانه» (عروس باران) در منطقه کردستان، حتماً باید قطره‌خونی بر زمین ریخته شود؛ چون این باور وجود دارد که برای شستن آن چند قطره خون حتماً باران خواهد بارید (معمار، ۱۳۶۲: ۱۱۳۹). گاه نیز فرد را به حدی می‌زدند که اشکش جاری شود؛ زیرا «گریستن خود نوعی جادو بود که باعث گریستن پربار خدایان و آبیاری زمین می‌شد» (بهار، ۱۳۷۶: ۴۲۹).

۳-۱-۲. باران‌خواهی بدون نشان‌دار کردن خوراکی

در برخی آیین‌های باران‌خواهی از نشانه استفاده نمی‌شود و در این موارد، تهدیدشونده گاه انسان (چوپان، کوسه، و پیرزن) و گاهی حیوان (الاغ، گاو، و گوسفند) و گاه چوب است. برای مثال در رسم «هل‌هل کوسه» (بختیاری) فردی کوسه می‌شود و شعر می‌خواند. افرادی که صدای آواز را می‌شنوند از چادرها بیرون می‌آیند و بر روی سر و صورت کوسه آب می‌ریزند. درنهایت، یک نفر ضامن کوسه می‌شود و کوسه قول می‌دهد که در دو سه روز آینده باران ببارد. (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۶۹؛ نیز ر.ک: جعفری (قنواتی)، ۱۳۹۴: ۷۸).

در رسم «هدرسه» در ممسنی و فهلیان، پیرزنی آبرومند با درازا کشیدن خشکسالی، روزی وسایل نان‌پزی را به دوش می‌کشید و سر به بیابان می‌گذاشت. در آبادی ولوله

می‌شد. جوان‌ها به جست‌وجوی او بیابان را زیر پا می‌گذاشتند و سرانجام او را می‌یافتند که دل‌شکسته، افتان و خیزان می‌رفت. از او خواهش می‌کردند برگردد؛ اما پیرزن رضایت نمی‌داد تا سرانجام یکی دل به دریا می‌زد و ضامن می‌شد. ضامن باران قول می‌داد تا چند روز دیگر باران ببارد. اگر تا روز موعود باران نمی‌بارید، پیرزن مردم را خبر می‌کرد، ضامن را دستگیر می‌کردند، به میدانچه آبادی می‌کشاندند، می‌خوابانند و به قصد کشت می‌زدند تا دلیر مردی دیگر پیدا می‌شد، ضمانت ضامن اول را می‌کرد و او را نجات می‌داد. به این ترتیب بازیِ خشونت تا باریدن باران یا سپری شدن قطعی موسم بارش‌ها ادامه می‌یافت (فرسیو، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۴).

در مراسم «قدح رو برد»، گروهی هنگام شب از یک روستا به روستای همسایه می‌روند و از آنجا مشک و یا کوزه‌ای که در آن آب باشد، می‌دزدند و می‌گریزند. پس از آنکه از روستا دور شدند، اهالی روستا را صدا می‌زنند: آهای قدح رو برد (آهای! رودخانه قدح را برد). با شنیدن صدای آن‌ها اهالی از خواب بیدار می‌شوند و به دنبال آن‌ها می‌دوند تا یکی از آن‌ها را دستگیر کنند. فرد دستگیرشده را کشان‌کشان به کنار رودخانه و یا چشمه می‌برند و او را داخل آب سرد می‌خوابانند تا کسی ضامن او شود. پس از پیدا شدن ضامن، فرد دستگیرشده را زندانی می‌کنند و اگر باران نبارد، دوباره او را در آب می‌خوابانند (جباره ناصرو و حسام‌پور، ۱۳۹۵: ۳۷-۳۸).

در ماکلوان، پوست درخت را با نام هفت گل گره می‌زنند و به چوب می‌بندند تا کسی ضامن شود که باران خواهد بارید (آقاعباسی، ۱۳۸۶: ۸). در چقباد شهرکرد بازای نام ۴۰ کچل، ۴۰ قطعه چوب را با طناب می‌بندند. سپس طناب را به دیواری آویزان می‌کنند و با چوب‌دستی بر آن قطعه‌چوب‌ها می‌کوبند. یک نفر ضامن کچل‌ها می‌شود که چوب نخورند و قول می‌دهد که تا چند روز دیگر باران بیاید (جعفری (قنوتی)، ۱۳۹۳: ۹/۲).

در دزفول هنگام خشکسالی الاغ سفیدی را به کنار امامزاده‌ای می‌بردند و دست و پایش را می‌بستند. یک نفر نیز با کاردی بزرگ تظاهر به کشتن آن می‌کرد؛ اما در همان زمان کسی می‌آمد و ضامن الاغ می‌شد که مثلاً تا سه روز دیگر باران می‌آید (همو، ۱۳۹۴: ۹۶).

در مناطق غربی کشور هنگامی که برای مدت زیادی باران نبارد، آیین نمایشی گاوریایی برگزار می‌شود که در آن گروهی از زنان و دختران گاوهای روستای مجاور را به صورت صوری می‌دزدند. چوپان با تظاهر به یاری‌طلبی و کمک‌خواهی به سوی دهکده خود می‌رود، گروهی از زنان ده را به یاری می‌خواند و آن‌ها نیز مجهز به چوبدستی و چماق، از آن سوی به راه می‌افتند که گاو ربوده شده را باز پس بگیرند. دو گروه هرکجا که به هم برسند، دعویایی ساختگی بین زنان درمی‌گیرد. با این تمثیل که چنان از خشکسالی و قحطی به تنگ آمده‌ایم که بر سر یک گاو خون یکدیگر را می‌ریزیم. چون همه این مراسم با تمهیدات و مقدمات قبلی همراه است، یکی از میان تماشاگران به میانجی‌گری برمی‌خیزد و ضامن ترک دعوا و باز پس دادن گاو می‌شود. با این قول و تعهد که نیروهای ماوراءالطبیعی متوجه می‌شوند و به رحم می‌آیند و به زودی باران خواهد بارید (معمار، ۱۳۶۲: ۱۱۳۶-۱۱۳۷؛ نیز ر.ک: خلعتبری لیماکی، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۴۶). در کردستان آیین مشابهی با عنوان «جنگ باران» اجرا می‌شود که اجراکنندگان آن هم زنان هستند و با وساطت و ضمانت مردان پایان می‌پذیرد. با این فکر و اندیشه که چون صلح و صفا برقرار شود، خداوند هم خشنود شود و فرمان باران بدهد (سینا، ۱۳۹۲: ۳۰). در منطقه کمیجان نیز در زمان خشکسالی مراسمی مشابه با نام «ناخورگتیرمک» (ناخور: گله گاو، گتیرمک: آوردن) برگزار می‌شود (عارف، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۶).

ضامن شدن و پیمان بستن برای باریدن باران، از اجزای اصلی و اساسی یا به زبان روان‌شناسی جمعی از کهن‌الگوهاست و به مهم‌ترین وظیفه ایزدمهر (ایزد نگهدارنده پیمان‌ها) مربوط می‌شود. از آنجا که برای بر سر پیمان بودن - یعنی باریدن باران - هیچ توانی جز دعا نداشتند، دعای خود را به موضوع مورد علاقه مهر می‌آمیختند و به خیال خود به قدرت دعا می‌افزودند. درواقع با راز و نیاز به مهر می‌رساندند که اگر دعایشان را مستجاب نکنند، پیمان‌شکن محسوب خواهند شد (فرسیو، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۶).

از ضمانت در باران‌خواهی به عنوان ابزاری برای در تنگنا قرار دادن ایزدان استفاده می‌شد. مردم بین خود جنگ زرگری راه می‌انداختند و با کتک و گاه مظلوم‌نمایی یکدیگر را مجبور به انعقاد پیمانی می‌کردند (مشیری، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۲۷).

در آیین‌های باران‌خواهی مدت ضمانت در همه جا و در هر نوع رسمی، با چانه‌بازاری تعیین می‌شد. ضامن سعی می‌کرد تعداد روزهای ضمانت را زیاد بگیرد تا امکان بارش باران بیشتر شود؛ اما طرف مقابل نمی‌پذیرفت. او در واقع نماینده کشاورزان جان‌به‌لب‌شده بود که برای بارش لحظه‌شماری می‌کردند. به طور کل تقریباً در هیچ جا و در هیچ رسمی زمان ضمانت از ده روز تجاوز نمی‌کرد (فرسیو، ۱۳۸۱: ۱۴).

از آنجایی که شعائر و آیین‌ها معمولاً در زمان‌ها و شرایط خاصی برپا می‌شوند که احتمال دریافت تقویت به علل طبیعی بیشتر است، مراسم باران‌سازی معمولاً نزدیکی به فصل باران به اجرا در می‌آید. از همین رو، معمولاً این دور خیلی ادامه نمی‌یابد؛ زیرا بارش باران در راه است (نعمت طاوسی، ۱۳۹۱: ۲۸۱).

۲-۳. آفتاب‌خواهی

آیین آفتاب‌خواهی زمانی اجرا می‌شود که باران فراوان ببارد و خطر سیل، منطقه را تهدید کند. در برخی دهات کوهستانی نوشهر، برای بند آمدن باران، مراسم «ممه شو» برگزار می‌کنند. در این مراسم یک نفر زنگی به کمرش می‌بندد، در یک دست جارو و در دست دیگر، فییه (نوعی ابزار کشاورزی) می‌گیرد و همراه شخص دیگر که ضامن نامیده می‌شود، همراه با ساز و دهل و سر و صدا با مشایعت بچه‌ها به سوی خانه‌های مردم می‌روند. مقداری از گل و لای حاصل از باران را در دست می‌گیرند و وانمود می‌کنند که می‌خواهند به خانه‌های مردم گل بمانند و آن‌ها را کثیف کنند. در این موقع ضامن جلو می‌آید و به این شخص می‌گوید شما خانه مردم را گل‌مالی نکن من ضمانت می‌کنم که فردا آفتاب شود (خلعتیری لیمایی، ۱۳۹۳: ۸۱).

در دنبلید طالقان یکی از پیرزنان محل با کوله‌باری که شامل یک دست رختخواب، یک سفره نان و یک مرغ است، به سمت دریا حرکت می‌کند. زن جوانی که آخرین اولاد خانواده است با یک چوبدستی راه پیرزن را می‌بندد و از او می‌پرسد کجا می‌روی؟ پیرزن جواب می‌دهد: می‌روم تا از دریا شکایت کنم که این قدر باران فرستاده است. زن جوان می‌گوید: برگرد باران به زودی بند می‌آید. پیرزن اعتنایی به حرف‌های او نمی‌کند. زن جوان ناچار، با تهدید چوبدستی او را به مراجعت وادار می‌کند و ضامن

می‌شود که به محض منصرف شدن او از سفر، باران بند بیاید. معتقدند تا پیرزن به خانه‌اش برسد، باران هم بند می‌آید و هوا صاف می‌شود (همان، ۹۵).
گاه نیز برای بند آمدن باران تعدادی از کچل‌های ایل را نام می‌برند و ریسمانی به تعداد آنان گره می‌زنند. ریسمان گره‌زده را به جلو در چادر آویزان می‌کنند و یکی از کچل‌ها را می‌آورند و کتک می‌زنند تا اینکه فردی ضامن وی شود و تعهد بسپارد که باران در مدت یک تا سه روز بند بیاید. اگر باران بند نیامد شخص ضامن را حاضر می‌کنند و کتک می‌زنند تا شخص سومی ضامن او شود. این عمل تا بند آمدن باران ادامه می‌یابد (مراسم دعای باران، ۱۳۹۱).

۳-۳. بخت‌گشایی

یکی دیگر از نمونه‌های تهدید و ضمانت نمایشی را می‌توان در رسمی که برای بخت‌گشایی دختران دم‌بخت در چهارشنبه آخر سال (چهارشنبه‌سوری) انجام می‌شود، مشاهده کرد. «در برخی مناطق مادر، دختر دم‌بخت خود را از خانه بیرون می‌کرد و در خانه را به روی او می‌بست تا اینکه همسایه‌ای دست دختر را می‌گرفت و ضامن او می‌شد و می‌گفت کاری با او نداشته باشید، دخترتان سال نو حتماً به خانه بخت می‌رود» (جعفری (قناتی)، ۱۳۹۴: ۵۵).

در گیلان برای آنکه دختران دم‌بخت زود شوهر کنند آن‌ها را با جارو از خانه بیرون می‌کنند و بعد یکی از بستگان به‌عنوان ضامن میانجی‌گری می‌کند که این دختر امسال شوهر می‌کند و او را بیرون نکنید و او را به خانه می‌آورد و بر این باورند که با این کار دختر ازدواج می‌کند (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸۴). در جشن «تیرما سیزه‌شو» شمال ایران یکی از وظایف لال‌شیش این است که با چوب خود دخترانی را که در خانه مانده‌اند بزند تا اینکه شخصی ضمانت کند که دختر تا سال دیگر ازدواج کند (ستاری و حقیقی، ۱۳۹۱: ۸۷؛ روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۰). در آمل در روز چهارده آبان دختری را که شوهر نکرده باشد پدر، مادر یا برادر به بیرون خانه می‌رانند و یک نفر به‌عنوان ضامن جلو می‌آید که این دختر امسال شوهر می‌کند و او را بیرون نکنید و بر این باورند که با این کار دختر ازدواج می‌کند (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۱۳).

در برخی منابعی که به این رسم رایج چهارشنبه‌سوری پرداخته شده است، تنها به بخش اول این رسم، یعنی تهدید نمایشی دختر و بیرون کردن او از خانه توسط مادر اشاره شده است (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۸۴؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۴۷۳).

۳-۴. باروری زن

استفاده از تهدید و ضمانت نمایشی برای بچه‌دار شدن زن در مراسم «تیرما سبزه شو» گزارش شده است. لال‌شیش‌زن در این شب وظیفه دارد که زن نازا را ناگهان و بی‌صدا و آرام به باد کتک بگیرد و دیگری که ناظر این عمل است برای ضمانت جلو می‌آید و می‌گوید بس است. همین امسال اگر این زن باردار نشد شما سال دیگر حق دارید با چوب او را تنبیه کنید.

نمونه‌ای مشابه این رسم در شاخه زرین آمده است که بنا بر آن «در سرزمین بک‌ها در مجارستان برای بارور ساختن زنان نازا آن‌ها را با چوبی که قبلاً برای جدا کردن سگ‌های در حال جفت‌گیری به کار رفته باشد می‌زنند» (فریزر، ۱۳۹۶: ۶۳۴). تفاوتی که در این دو رسم بارز است این است که در مراسم لال‌شیش به نوع چوبی که با آن زن نابارور زده می‌شود اشاره نشده است؛ ولی در کشور مجارستان برای این کار، از چوبی که با آن سگ‌های در حال جفت‌گیری جدا شده‌اند استفاده می‌شود به این دلیل که «تصور می‌شود در چوب نوعی خاصیت بارورکننده وجود دارد و با خوردنش به بدن زن به او منتقل می‌شود» (همان‌جا).

۳-۵. باروری درخت

نکته مهم اینکه در برخی آیین‌ها، تهدیدشونده انسان نیست. برای مثال در بسیاری از مناطق ایران درختی را که بار نمی‌داده است تهدید به قطع کردن می‌کردند و معتقد بودند که درخت از ترس بریده شدن، سال بعد بیشتر بار می‌دهد.

این باور باستانی که درختان دارای روانی خردمندانه هستند و یاری خواستن از آن‌ها و ترسیدن و ترساندن آن‌ها در برخی آیین‌ها و باورهای دیگر نیز قابل مشاهده است. تهدید و ترساندن درختان میوه نیز نشان می‌دهد که در اعصار گذشته درخت را صاحب خرد می‌پنداشته‌اند (فرهادی، ۱۳۷۲: ۳۲۶).

صادق هدایت در *نیرنگستان* این گونه به این رسم اشاره کرده است:
درخت میوه که بار نهد دو نفر با بیل و تبر و تیشه می‌روند پای آن. یکی از آن‌ها
تشر می‌زند به درخت و بلند می‌گوید: این درخت را باید کند میوه نمی‌دهد و پای
درخت را بیل می‌زند. دیگری ضامن می‌شود. جلو می‌آید و دست او را نگه
می‌دارد و می‌گوید: این دفعه را ببخش اگر سال دیگر میوه نداد آن وقت بئر.
درخت می‌ترسد و سال دیگر بار می‌دهد (هدایت، ۱۳۳۴: ۱۲۱).

این رسم در باب درخت خرما در *نزهت‌نامه* علایی ذکر شده است:
اگر درخت خرما بر نیارد یکی تبری به دست گیرد و چنان نماید که بخواهد
فکندن و دیگری در او آویزد و دستش بگیرد و گوید من پایندان او شدم و
در پذیرفتم که سال دیگر بر بیارد و اگر بر نیارد آنگاه بیفکن. سال دیگر بر بسیار آرد
(ذبیحی، ۱۳۹۶: ۴۲).

در کتاب *ارشاد/الزراعه* مربوط به حدود ۵۰۰ سال پیش آمده است که
اگر درختی بار نیاورد شخصی تبری به دست گیرد و دامن بر میان زند و آستین‌ها
برمالد و بر سبیل قهر به جانب درخت می‌آید و قصد آن می‌کند که درخت را
بیندازد و دیگری بیاید و حمایت می‌کند و می‌گوید که این درخت را مینداز که در
سال آینده بار آورد و به تجربه صحت این معلوم می‌شود. این روش هنوز هم در
برخی مناطق ایران از جمله محلات، ایلام و لرستان رایج است (فرهادی، ۱۳۷۲:
۳۲۶-۳۲۷).

جلال آل‌احمد در کتاب *تات‌نشین‌های بلوک زهرا* آورده است: وقتی تاکی بیمار
می‌شود و از میوه دادن سر باز می‌زند، گذشته از اینکه ممکن است کود نداشته باشد یا
کرم‌زده باشد که باید معالجه‌اش کرد، یک نوع معالجه روحی هم می‌کنند. کسی که
این کاره است و در ده معروف است داسی به دست می‌گیرد و دور تاکی می‌چرخد و
داسش را تکان می‌دهد و به زبان خودشان او را تهدید می‌کند که اگر سال بعد به بار
نیاید همچو و همچو از بیخ و بنش برخواهد کند (تاواراتانی، ۱۳۸۵: ۲۱۵).^۲

گاه این رسم در چهارشنبه پایان سال و قبل از نوروز اجرا می‌شده است. برای
نمونه، در برخی از روستاهای الموت و رودبار و آستانه اشرفیه، مرسوم است که صبح
روز چهارشنبه سوری، صاحب درخت تبری برداشته و آن را تهدید به قطع شدن می‌کند.

در این میان، کسی واسطه می‌شود و قول می‌دهد که درخت در سال نو حتماً بار خواهد داد (مجتهدپور، ۱۳۹۶).

فریزر در کتاب *شاخه زرین* مراسمی مشابه را به ساکنان سالنگور (مالزی) نسبت می‌دهد: نزدیک جوگرا در سالنگور باغچه‌ای از درختان کلا وجود دارد و در روز خاصی روستاییان در آنجا جمع می‌شوند. یکی از جادوگران تبری برمی‌دارد و چند ضربه دقیق به تنه بی‌بارترین درخت می‌زند و می‌گوید: «حالا میوه می‌دهی یا نه؟ اگر ندهی، می‌اندازمت». درخت به این پرسش از دهان مرد دیگری که در همان نزدیکی از درخت دیگری بالا رفته است پاسخ می‌دهد: «چرا حالا میوه می‌دهم، خواهش می‌کنم مرا قطع نکن». همین‌طور در ژاپن برای بارور کردن درخت دو مرد به باغی می‌روند. یکی از درختی بالا می‌رود و دیگری با تبری در دست، پای درخت می‌ایستد. مرد پایینی از درخت می‌پرسد که آیا سال بعد بار خواهد داد و تهدیدش می‌کند که اگر بار ندهد قطعش می‌کند. مرد بالای درخت به جای درخت جواب می‌دهد که بار فراوان خواهد داد. شاید شگفت‌انگیز باشد که این نوع باغداری مشابه دقیقی در اروپا دارد. در شب کریسمس روستایی اسلاوونی و بلغاری تبری را تهدیدکنان به سوی درخت میوه بی‌باری تکان می‌دهد و مرد دیگری وساطت‌کنان می‌گوید: «قطعش نکن، این بار دیگر میوه می‌دهد». سه بار تبر تکان می‌خورد و سه بار وساطت آن مرد جلو ضربه را می‌گیرد. از آن پس درخت هر اسبیده یقیناً سال بعد میوه می‌دهد (فریزر، ۱۳۹۶: ۱۵۶).

ناهوکو تاواراتانی، محقق ژاپنی، در مقاله‌ای با عنوان «تهدید نمایشی درخت - یک آیین باروری» به مقایسه این رسم در ایران و ژاپن پرداخته است. او معتقد است نحوه و چگونگی این مراسم - که در ژاپن، نام‌های متعددی از جمله «ناری - کی - ایجیه» دارد؛ ولی در هیچ کدام از منابع مورد استفاده فارسی نام آن ذکر نشده است - در دو کشور بسیار شبیه به هم است (تاواراتانی، ۱۳۸۵: ۲۱۵). شیوه مراسم «ناری - کی - ایجیه» که در مناطق وسیعی از ژاپن به نیت باروری بیشتر درختان میوه‌دار برگزار می‌شود این گونه است که زن و شوهر همراه با تبر و آتش با هم به پای درخت خرمالو می‌روند، شوهر با گفتن «میوه می‌دهی یا نمی‌دهی؟ ندهی، می‌بُرمت» با تبر درخت را زخمی می‌کند. زن با

گفتن «می‌دهم، می‌دهم» آتش را به جای زخم می‌مالد. این رسم نه تنها در ژاپن، بلکه در انگلستان نیز وجود دارد (همان، ۲۱۷).

در ژاپن اجراکنندگان معمولاً زن و شوهر هستند و این نشان می‌دهد که به قدرت باروری و حاصلخیزی زن اعتقاد داشتند و دارند. در ایران نیز این امر صدق می‌کند؛ همان‌طور که در منابع فارسی گزارش کرده‌اند که زن باردار نخل را با چوب می‌زند و یا زن حامله نقش میانجی را ایفا می‌کند (همان، ۲۱۷).

تفاوت بارز این رسم با رسم رایج در ایران آن است که در ژاپن کسی درخت را زخمی می‌کند و شخص ضامن یه جای زخم، آتش می‌مالد؛ ولی در ایران، زخمی کردن درخت و آتش مالیدن به آن مرسوم نیست و تنها درخت تهدید به قطع شدن می‌شود.^۳ هرچند تاواراتانی زمان برگزاری این رسم را از تفاوت‌های آن در ایران و ژاپن می‌داند و می‌نویسد: «تهدید نمایشی درخت را در ژاپن به‌عنوان یکی از سلسله آیین‌های سال نو برگزار می‌کردند و می‌کنند؛ اما در منابع فارسی فقط یکی از آن‌ها زمان برگزاری را «آبان‌ماه» ذکر کرده است» (همان‌جا)؛ ولی در برخی مناطق ایران نیز این آیین، قبل از سال نو به‌ویژه در چهارشنبه پایان سال اجرا می‌شود.

شیرازی‌ها قبل از نوروز مراسم «عروسی نارنج» را برگزار می‌کردند. در صورتی که نارنج بار نداده باشد زن صاحب‌خانه با زن‌های فامیل و همسایه دور هم جمع می‌شدند. زن صاحب‌خانه با اره‌ای در دست و در حالی که به سمت درخت نارنج می‌رود، می‌گوید: «ای نارنج چون بار نمی‌دهی می‌خواهم تو را قطع کنم». در این زمان یکی از زنان معتمد جمع، ضامن درخت نارنج می‌شود و می‌گوید: «درخت قول می‌دهد که سال آینده بار دهد؛ اما به شرطی که برای آن عروسی بگیری». بعد از آنکه زن صاحب‌خانه ضمانت را قبول می‌کند. زن‌ها به دور درخت نارنج تور می‌پیچند، قند می‌سابند و روی آن نقل و شیرینی می‌ریزند (شیراز؛ نگاهی به رسوم شیراز در نوروز، ۱۳۹۶).

گاه نیز از این شیوه برای ترساندن درختی که میوه آفت‌زده می‌دهد استفاده می‌کنند. «در گیلان معتقدند اگر بچه اول در شب چهارشنبه‌سوری داس بردارد و چند ضربه خفیف به درختی که میوه آفتی می‌آورد، بزند، میوه آن درخت در سال بعد سالم خواهد بود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۵۶۵).

۳-۶. تخم گذاشتن مرغ

علاوه بر درختان، گاه از تهدید و ارباب حیوانات هم استفاده می‌شود. برای مثال «اگر مرغی تخم نکند صاحبش او را در کیسه‌ای می‌اندازد و تظاهر می‌کند که گندم است و می‌خواهد به آسیاب ببرد و آرد کند. کسی میانجی‌گری نموده و مرغ می‌ترسد و پس از آن تخم می‌کند» (بیهقی، ۱۳۶۵: ۲۹). در کتاب *باورهای عامیانه مردم ایران*، رسم ترساندن مرغ برای تخم‌گذاری از لرستان، ایلام، درگز و خراسان گزارش شده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۰۰۷).

این رسم گاه زمان مشخصی داشته است (مثلاً در شمال در جشن تیرگان) و گاه زمان مشخصی نداشته است و هر زمان که مرغ برای مدتی تخم نگذارد از این روش استفاده می‌شود. برای مثال در روستای عیسی‌آباد از توابع شهرستان کمیجان برای ترساندن مرغ‌هایی که تخم نمی‌گذارند از رسمی با عنوان «تیوخ قرخوردماک» (مرغ ترساندن) استفاده می‌شود؛ به این شیوه که زن خانواده جلو چشم بقیه اهل منزل، مرغ تخم‌نگذار را زیر بغل می‌گیرد و از خانه خارج می‌کند. فرد دیگری در کوچه جلو او را می‌گیرد و می‌پرسد: کجا با این عجله؟ زن با خشم و ناراحتی جواب می‌دهد: می‌خواهم بروم آسیاب. عابر می‌پرسد: چرا آسیاب؟ زن می‌گوید: می‌خواهم بروم سر این مرغ را زیر سنگ آسیاب بگذارم تا بمیرد. بنابراین، همچنان سر مرغ را می‌گیرد و آویزان می‌کند تا صدایش درآید. عابر هم باز می‌پرسد: چرا؟ مگر این مرغ چه کرده است؟ زن می‌گوید: چون تخم نمی‌گذارد. عابر با خواهش و تمنا سعی می‌کند مرغ را از زن بگیرد و می‌گوید: نه، نه، من قول می‌دهم، من ضامن می‌شوم که این مرغ هر روز تخم بگذارد. من قول می‌دهم شما او را نبرید، نگشید، من قول می‌دهم. بدین ترتیب، عابر مرغ را از زن می‌گیرد و رها می‌کند. مردم عیسی‌آباد معتقدند که فردای همان روز مرغ تخم می‌گذارد و زندگی شیرین خود را از سر می‌گیرد (عارف، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۶).

۳-۷. شکستن طلسم تفنگ

یکی از جنبه‌های جالب این رسم این است که گاه یک شیء ترساننده می‌شود و بعد شخصی ضامن او می‌شود. نمونه بارز آن مراسم «عروسی تفنگ» در منطقه ایلام است.

هنگامی که گلوله تفنگ چندین بار به هدف اصابت نکند (بسته شدن تیر)، زن و شوهری به نیت شکستن طلسم و به هدف زدن تفنگ، دعوی ساختگی برپا می‌کنند. در این آیین شکارچی در روزی خاص که بیشتر نخستین روزهای ماه است تفنگ را از دیوار خانه برمی‌دارد و به بهانه نکشتن شکار، زیر ضربه‌های دست و پا و شلاق می‌گیرد و به نوعی کتک می‌زند. با این اقدام بانوی بزرگ خانه - که در بیشتر موارد همسر شکارچی است - تفنگ را از زیر ضربه‌ها و دست و پای شکارچی بیرون می‌کشد و با گره زدن تکه پارچه‌ای از ضریح یک مکان مقدس به لوله اسلحه به نوعی ضمانت می‌شود. زن که حالا ضمانت اسلحه را پذیرفته است، تیری از تفنگ بیرون می‌کشد و زیر زبان خود می‌گذارد. سپس به نیت شکستن طلسم به خانه قدیم‌ترین همسایه خود می‌رود و از وی مستی آرد به عاریت می‌گیرد. در مرحله بعد، زن خانه با آردی که از همسایه گرفته است، به نیت برکت تفنگ «پیگ» (نوعی نان کوچک) می‌پزد و سپس نان را با لوله تفنگ سوراخ می‌کند و شبیه گردن‌بند به گردن اسلحه می‌آویزد. زن پس از طی این مراحل، گلوله تفنگ را که در این مدت زیر زبانش بوده است، بیرون می‌آورد و درون اسلحه شکارچی می‌گذارد. بعد از این اقدامات در منطقه‌ای که شیب باشد زن نان گرد و کوچک را غلط می‌دهد و شکارچی به نیت شکار به سمت نان شلیک می‌کند. پاره‌های نان که مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند بین افراد خانواده قسمت می‌شوند (عابدینی، ۱۳۹۵).

۴. نتیجه

تهدید و تضمین نمایشی به‌عنوان یکی از خویشکاری‌های مهم و مشترک در برخی رسوم عامیانه است. در بسیاری از مناطق مختلف ایران مردم در هنگام مواجه شدن با مشکلاتی همچون نباریدن باران، زیاد باریدن باران، بسته شدن بخت دختر، نازا بودن زن، بی‌بار بودن درخت، تخم نگذاشتن مرغ، به هدف زدن تفنگ و... به منظور بلاگردانی، از تهدید و زدن استفاده می‌کنند. بسامد این شیوه در آیین‌های باران‌خواهی بیشتر است. زمان انجام این گونه مراسم بسیار متفاوت است. گاه مردم به محض بروز مشکل به چنین آیین‌هایی متوسل می‌شوند؛ مثلاً زمانی که باران به شدت می‌بارد و خطر

سیلاب، منطقه را تهدید کند، آیین آفتاب‌خواهی را انجام می‌دهند و گاه در مناسبت و موسم خاصی مانند چهارشنبه‌سوری، جشن سده، نوروز، جشن تیرگان و... این آیین‌ها را برگزار می‌کنند.

تهدیدشونده در این آیین‌ها، انسان (دختر دم بخت، زن نازا، چوپان، شخصی که مهره یا سنگ در نان یا آش او درآمده، کچل)، درخت، حیوان (مرغ، گاو)، و شیء (تفنگ) است. نوع تهدید نیز هرچند اغلب کتک زدن است؛ ولی گونه‌های دیگر تهدید از جمله از خانه بیرون کردن، در آب انداختن، دزدیدن، تهدید به قطع کردن (درخت) و تهدید به کشتن (مرغ) و... نیز به کار می‌رود. در اغلب این آیین‌ها به‌ویژه آیین‌های باران‌خواهی، برای تأثیرگذاری بیشتر، تهدید به صورت جدی انجام می‌شود و فرد تهدیدشونده به حدی زده می‌شود که اشک از چشمانش جاری شود یا حتی چند قطره خون از بدنش بر زمین ریخته شود. ضمانت‌کننده نیز اکثراً فردی مورد اعتماد همه و ریش‌سفید منطقه است و گاهی سید یا زن حامله ضامن تهدیدشونده می‌شود. از ضمانت در باران‌خواهی به‌عنوان ابزاری برای در تنگنا قرار دادن ایزدان استفاده می‌شود. مردم بین خود جنگ زرگری راه می‌اندازند و با کتک و گاه مظلوم‌نمایی یکدیگر را مجبور به انعقاد پیمانی می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در تقویم و گاه‌شماری تبری مازندران، تیرماه مطابق همان تیرماه فارسی و کنونی ما نیست؛ بلکه معادل آبان‌ماه است. بنابراین، تیرماه سیزده‌شو، مطابق با تقویم ما، معادل با شب سیزدهم آبان است (ابومحبوب، ۱۳۸۸: ۲۰).
۲. آیین باروری درخت به شیوه تهدید و تضمین نمایی در ادبیات ایران و ژاپن نیز به میان آمده است که یکی، داستان معاصر فارسی با عنوان «درخت گلابی» (نوشته گلی ترقی) و دیگری «جنگ میمون و خرچنگ‌ها» (از افسانه‌های قدیم ژاپن) است (تاواراتانی، ۱۳۸۵: ۲۱۷-۲۱۸).
۳. البته در مناطق مختلفی از ایران نیز از شیوه مالیدن غذا (به‌ویژه غذای نذری) برای بارور شدن درخت استفاده می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۵۶۵). تفاوت این رسم با رسم گزارش‌شده از ژاپن این است که در ایران، ترساندن درخت از طریق تهدید آن به قطع شدن و مالیدن غذای نذری به آن دو رسم جداگانه است؛ ولی در ژاپن این دو رسم با هم اجرا می‌شود؛ به این شکل که اول درخت را زخمی می‌کنند و سپس به جای آن آش می‌مالند.

منابع

- ابومحبوب، احمد (۱۳۸۸). «لال شیش؛ چوب بلاگردان، تیر آرش». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. س ۵. ش ۱۶. صص ۱-۱۰.
- آقاعباسی، یدالله (۱۳۸۶). «باران‌خواهی». *مطالعات ایرانی*. س ۶. ش ۱۲. صص ۱-۲۰.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). *پژوهشی در اساطیر ایران*. ج ۲. تهران: آگه.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵). *پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- تاواراتانی، ناهوگو (۱۳۸۵). «تهدید نمایشی درخت - یک آیین باروری». *فرهنگ مردم*. ش ۲۰. صص ۲۱۴-۲۲۰.
- جاهودا، گوستاو (۱۳۷۱). *روان‌شناسی خرافات*. ترجمه محمدنقی براهنی. ج ۳. تهران: البرز.
- جباره ناصرو، عظیم و سعید حسام‌پور (۱۳۹۵). «اسطوره باروری و آیین‌های باران‌سازی در کوهمره سرخی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۴. ش ۸. صص ۲۶-۴۴.
- جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۹۳). «باران‌خواهی». *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- _____ (۱۳۹۴). *درآمدی بر فولکلور ایران*. تهران: جامی.
- حسینی، نغمه و حیدر یزدان‌شناس (۱۳۹۶). «گندم در فرهنگ و گویش مردم تنگستان». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۵. ش ۱۴. صص ۱۷۵-۱۹۸.
- خلعتبری لیماکی، مصطفی (۱۳۹۳). *آیین‌های باران‌خواهی و آفتاب‌خواهی در فرهنگ عامه*. تهران: طهوری.
- ذبیحی، رحمان (۱۳۹۶). «باورها و آیین‌های عامیانه نباتی در نزهت‌نامه علائی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۵. ش ۱۸. صص ۲۹-۴۶.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). *باورهای عامیانه مردم ایران*. با همکاری علی‌اکبر شیری. تهران: چشمه.
- _____ (۱۳۹۵). «بررسی و تحلیل نمایش‌های باران‌خواهی و باران‌خوانی در ادبیات عامه ایران (با تکیه بر نمایش‌های کوسه‌گردی و عروس باران)». *کهن‌نامه ادب پارسی*. س ۷. ش ۴. صص ۶۱-۹۹.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶). *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز*. تهران: آگه.

- ستاری، رضا و مرضیه حقیقی (۱۳۹۱). «بررسی کارکردهای «لال شیش در جشن «تیرماسیزه شو» و تحلیل زمینه‌های اسطوره‌ای آن». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. س ۸، ش ۲۶. صص ۷۷-۱۰۸.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۶۳). *عقاید و رسوم مردم خراسان*. ج ۲. تهران: سروش.
- «شیراز؛ نگاهی به رسوم شیراز در نوروز؛ از پخت آش «ابو دردا» تا وجود «شیربرنج» در سفره هفت‌سین. *خبرگزاری تسنیم*. ۱۳۹۶/۱۲/۱۸. <https://www.tasnimnews.com>
- سینا، خسرو (۱۳۹۲). «جستاری بر اسطوره‌های «باروری و قربانی» در آیین‌های نمایشی کردستان». *هنر و معماری نمایش*. س ۱۵، ش ۱۷۲-۱۷۳.
- عابدینی، علیرضا (۱۳۹۵). «عروسی تفنگ: آیینی برای موفقیت در شکار». *تبیان*. <https://article.tebyan.net>. ۱۳۹۵/۸/۲۶.
- عارف، محمد و میترا رئوفی (۱۳۸۹). «ریخت‌نگاری آیین‌های نمایشی بومی مردم کمیجان با نگرشی ویژه بر کهن‌الگوی بلاگردانی». *تحقیقات فرهنگی*. د ۳، ش ۹. صص ۱۰۷-۱۲۴.
- عارف، محمد (۱۳۹۰). *کمیجان سرزمین شگفت‌انگیز تات‌ها و مادها: ریخت‌نگاری آیین‌های نمایشی بومی مردم کمیجان*. تهران: طهوری.
- فرسیو، سهراب (۱۳۸۱). «سه رسم کهن ازدیاد آب و طلب باران (گوشه‌ای از معانی و کارکردها)». *فرهنگ مردم*. ش ۳ و ۴. صص ۷-۲۰.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲). «گیاهان و درختان مقدس در فرهنگ ایرانی». *آینده*. ش ۴. صص ۳۲۰-۳۲۹.
- فریزر، جورج جیمز (۱۳۹۶). *شاخه زرین (پژوهشی در جادو و دین)*. ترجمه کاظم فیروزمند. چ ۱۰. تهران: آگاه.
- مجتهدپور، یاسمین (۱۳۹۶). «چهارشنبه‌سوری». *مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. <https://www.cgie.org.ir/>. ۱۳۹۶/۱۲/۲۲.
- «مراسم دعای باران» (۱۳۹۱). *کویرها و بیابان‌های ایران*. ۱۳۹۱/۲/۲۵. <https://www.irandeserts.com>
- مشیری، ژیلا (۱۳۹۲). «مراسم طلب باران در حوزه کویری ایران». *انسان‌شناسی*. د ۱۱، ش ۱۹. صص ۱۱۸-۱۳۸.
- معمار، فریدون (۱۳۶۲). «آیین طلب باران در غرب ایران (باختران، کردستان و تویسرکان)». *چیستا*. ش ۲۰. صص ۱۱۳۵-۱۱۴۱.

تهدید و ضمانت نمایی در آیین‌های فولکلوریک _____ مریم حقی

- نعمت طاوسی، مریم (۱۳۹۱). «رمزگشایی پاره‌های آیین‌های باران‌خواهی ایران». *مطالعات ایرانی*. س ۱۱. ش ۲۱. صص ۲۷۱-۲۸۵.
- هدایت، صادق (۱۳۳۴). *نیرنگستان*. ج ۲. تهران: امیرکبیر.

Threat and Dramatic Guarantee in Folklore

Maryam Haqqi ^{*1}

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature- Payame –Nour University.

Receive: 06/06/2018

Accept: 11/11/2018

Abstract

One of the manifestations of the culture of the inhabitants of each country is the common custom among them. Various rituals have been performed in our country many times and on various occasions. Despite the very variations of these rituals, there are many aspects of commonalities so that exploration of these relationships leads us to understand them better and more deeply. One of the common features of many dramatic folk rituals is the threat and the guarantee: so that with a particular problem, the person (or the animal, the tree, the object) is threatened intimately. He gets beaten and the other person gives him the guarantee that the problem will be solved. The rituals used in this way are generally intended for rain, sunbathing, fortune-making, tree fertilization, animal fertilization, firearms, etc. The purpose of this research, which is a descriptive-analytical analysis, is to present and demonstrate threats and guarantees as the most important functions of some popular customs.

Keywords: Folklore, Threat and Dramatic Guarantee, Apotropaic magic

*Corresponding Author's E-mail: mhaghi@khansar.isfpnu.ac.ir